

**نظر متخصصان ایرانی در مورد ابعاد و بیانگرهای  
شاخص رفاه اجتماعی ایران:  
یک مطالعه دلفی**

حسن رفیعی\*، سید حسین محققى کمال\*\*، حمیرا سجادی\*\*، عزت‌اله عباسیان\*\*\*، مهدی رهگذر\*\*\*\*

**مقدمه:** بیانگرها و شاخصهای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی، وسعت تغییرات ناشی از وضع سیاستهای اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کنند و بنا به ضرورت شناسایی این بیانگرها، مطالعه حاضر به شناسایی این ابعاد و بیانگرهای شاخص رفاه اجتماعی می‌پردازد. روش: این پژوهش با استفاده از روش دلفی با دو دور در بین ۲۵ نفر از متخصصین و صاحب‌نظران رفاه اجتماعی انجام شده است.

**یافته‌ها:** اشتغال (میانگین ۹/۵۲)، اقتصاد (۹/۳۰)، تأمین اجتماعی (۸/۷۶)، سلامت (۸/۴۲)، آموزش (۷/۴۵) و مسکن (۶/۶۵) مهم‌ترین ابعاد، و میزان بیکاری (۱۴ رأی)، درصد پوشش بیمه تأمین اجتماعی (۱۰)، امید به زندگی در بدو تولد (۷)، میزان مالکیت مسکن (۷)، میزان باسوادى افراد بالاتر از ۶ سال (۶)، میزان ثبت نام در مدرسه (۵)، ضریب جینی (۵)، میزان تورم (۴) و درآمد ملی سرانه (۳) مهم‌ترین بیانگرهای رفاه اجتماعی در ایران می‌باشند. بحث: مقایسه یافته‌های این پژوهش با مطالعات مشابه حاکی از در اولویت قرار داشتن ابعاد و بیانگرهای عینی و مادی رفاه اجتماعی در ایران می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** بیانگرهای رفاه اجتماعی، تکنیک دلفی، رفاه اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۹ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۱۳

\*روان‌پزشک، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران  
\*\* دکترای سلامت و رفاه اجتماعی، مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) <hosseinmohaqeq@gmail.com>

\*\*\* دکترای پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران

\*\*\*\* دکتر اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا همدان

\*\*\*\*\* دکتر آمار زیستی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران

## مقدمه

در هر جامعه‌ای، توجه دولتمردان، سیاست‌گذاران و محققان به رفاه اجتماعی امری مهم و ضروری است. رفاه اجتماعی بر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیری عمده می‌گذارد و در رشد و پیشرفت جامعه مؤثر است. از این رو، می‌توان گفت که هدف اصلی بسیاری از سیاستهای اقتصادی و اجتماعی، بهبود رفاه افراد است.

یکی از مباحث مهم سیاست اجتماعی، ارزیابی و پایش برنامه‌ها، خدمات و سیاستهای رفاه اجتماعی است تا از این طریق بتوان اولاً نسبت به کارایی برنامه‌ها در تحقق اهداف و ثانیاً نسبت به موضوع عدالت در توزیع فرصتها و منابع اطمینان حاصل کرد. شاخصهای اندازه‌گیری تغییرات رفاه، وسعت تغییرات رفاهی ناشی از وضع سیاستها را اندازه‌گیری می‌کنند.

رفاه عینی عبارت است از: قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی. در اینجا، به منظور کمی و محاسبه‌پذیر شدن، رفاه را مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت در نظر می‌گیرند. در مقابل رفاه ذهنی به احساسات، ادراکها، شناختها و تجارب همان فردی مربوط می‌شود که موضوع رفاه قرار گرفته است. یعنی رفاه ذهنی به آن شخص یا خویشتن او وابسته است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱). معمولاً شاخصهایی نظیر شادکامی<sup>۱</sup>، رضایت از زندگی<sup>۲</sup> و کیفیت زندگی<sup>۳</sup> به عنوان شاخصهای ذهنی رفاه در مطالعات مختلف بکار می‌روند (فیتزپتریک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ گاینر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳).

یکی از این شاخصهایی که بطور سنتی برای سنجش وضعیت رفاه اجتماعی بکار می‌رود، درآمد سرانه ملی است. درآمد سرانه ملی به عنوان یک شاخص رفاه تنها به بعد مصرف در رفاه توجه دارد (زارزوسا و سوماریبا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲). شاخص سن<sup>۷</sup> و شاخص توسعه انسانی<sup>۸</sup> اگرچه به ابعاد بیشتری از رفاه توجه دارند ولی امکان ارائه تحلیل‌های جزئی را ندارند.

1. Happiness

2. life satisfaction

3. quality of life

4. Fitzpatrick

5. Gainer

6. Zarzosa and Somarriba

7. Sen' social welfare index

8. Human development index

در شاخصهای جدید، علاوه بر ابعاد عینی، ابعاد ذهنی رفاه اجتماعی (نظیر آزادیهای مدنی و حقوق سیاسی)، ابعاد زیست محیطی (نظیر آلاینده‌های زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی)، نحوه حکمرانی، پایداری منابع و... نیز مورد نظر است. برای نمونه، «شاخص خوشبختی لگاتوم»<sup>۱</sup> شامل این ابعاد است: وضعیت اقتصادی، مقدار خلق ثروت (کارآفرینی)، نحوه حکمرانی، وضعیت آموزش، وضعیت بهداشت، تأمین اجتماعی، آزادی شخصی و مقدار سرمایه اجتماعی. بنابراین استفاده از یک شاخص ترکیبی رفاه که ضمن پوشش ابعاد مختلف رفاه، امکان تحلیل کلی و جزئی را فراهم آورد، می‌تواند به ارزیابی و تحلیل بهتر سیاستهای رفاهی کمک کند.

اتخاذ روشهایی برای اندازه‌گیری و پایش رفاه اجتماعی یکی از مهم‌ترین مقوله‌های خدمات اجتماعی و رفاهی است. در حقیقت، برای اینکه مشکلات رفاه مردم که روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند، شناخته و اندازه‌گیری و سپس حل شوند، لازم است که اطلاعات و آمار ابعاد مختلف رفاه اجتماعی تولید شوند. آمار و اطلاعات رفاهی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری رفاه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

امروزه شاخصهای ترکیبی که عملکرد و وضعیت کشورها را نشان می‌دهند به عنوان ابزار بسیار سودمندی در تحلیل سیاستهای اجتماعی شناخته می‌شوند. در سالهای اخیر استفاده از شاخصهای ترکیبی در حال افزایش است به طوری که در مطالعه بندورا<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) به ۱۶۰ مورد از این شاخصها اشاره شده است. شاخصهای ترکیبی، مقایسه عملکرد کشورها و یا عملکرد سالهای مختلف یک کشور خاص را به صورتی ساده و قابل فهم فراهم می‌کنند، آنها برای تشریح و توصیف مسائل پیچیده و مختلف در زمینه‌های گوناگون از جمله محیط، اقتصاد،

1. Legatum Prosperity Index

2. Bandura

اجتماع، توسعه تکنولوژی،... بکار می‌روند (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). در ایران، با توجه به کمبود برخی داده‌ها در مجموع آن‌طور که می‌بایست به مقوله رفاه اجتماعی و محاسبه آن پرداخته نشده و بیشتر به شاخصهای اقتصادی (غالباً تابع سن) و آثار رفاهی سیاست‌گذارهای مختلف بر روند رفاهی جامعه پرداخته شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به عبادی و همکاران (۱۳۹۰)، حسینی و جعفری صمیمی (۲۰۰۹)، صادقی (۱۳۸۹) و صیادزاده و احمدی (۱۳۸۵) اشاره کرد. تمامی این مطالعات رفاه را با شاخص سن سنجیده‌اند، بجز حسینی و جعفری صمیمی که از شاخص رفاه اقتصادی برای سنجش رفاه اجتماعی استفاده کرده‌اند. شاخص سن (۱۹۹۷)، متشکل از ضریب جینی و درآمد ملی است و شاخص رفاه اقتصادی از ابعاد امنیت اقتصادی، مصرف، ثروت و توزیع درآمد تشکیل می‌شود (اوسبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

چارچوب نظری مطالعه حاضر برگرفته از «رویکرد بیانگرهای اجتماعی»<sup>۳</sup> است. این رویکرد در دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت و رفاه اجتماعی را مفهومی چندبعدی معرفی کرد و از انحصار اقتصاد خارج ساخت. این رویکرد ابعاد دیگری نظیر سلامت، آموزش، مسکن، محیط و غیره را به مفهوم رفاه اجتماعی افزود. از دید این رویکرد، عوامل مزبور برای درک و سنجش رفاه اجتماعی افراد در جامعه ضروری هستند (نول<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ زارزوسا و سوماریبا، ۲۰۱۲). علاوه بر این اگر این رویکرد را بپذیریم، شاخصهای ترکیبی<sup>۵</sup> بهترین ابزار برای سنجش مفاهیم چندبعدی نظیر رفاه اجتماعی، استاندارد زندگی، توسعه و... هستند.

شاخصهای اندازه‌گیری تغییرات رفاه، وسعت تغییرات رفاهی ناشی از وضع سیاستها را اندازه‌گیری می‌کنند. بطور خلاصه، برآورد روند رفاه اجتماعی در ایران، می‌تواند آینه اثرگذاری

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

2. Osberg

3. social indicator approach

4. Noll

5. composite indicators

سیاستهای اعمال شده توسط برنامه‌ریزان باشد. لذا مطالعه حاضر در نظر دارد، ابعاد و بیانگرهای شاخص رفاه اجتماعی را با استفاده از تکنیک دلفی مشخص نماید که می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات بعدی در زمینه ساخت شاخص رفاه اجتماعی و نیز کاربری سیاستهای رفاهی مناسب باشد.

## روش:

### نوع مطالعه

این مطالعه از نوع کیفی است که با استفاده از روش اجماع‌یابی دلفی انجام شده است. در سال ۱۹۵۹ هلمر و همکارانش در RAND مقاله‌ای با عنوان «معرفت‌شناسی (اپیستمولوژی) علوم غیردقیقه» ارائه دادند و پایه فلسفی پیش‌بینی با روش دلفی را توضیح دادند و نتیجه گرفتند که در زمینه‌هایی از علم که هنوز تحقیقات کافی صورت نگرفته و قوانین آن کشف نشده است، نظرات کارشناسان آن رشته علمی قابل قبول است.

در ۱۹۶۴ گوردون و هلمر اولین دلفی رسمی را انجام دادند و سرانجام در ۱۹۶۹ هلمر و دالکی در شرکت RANT روش دلفی را تدوین کردند (لین‌استون و ترن‌آف، ۲۰۰۲). روش دلفی اغلب با هدف کشف اندیشه‌های خلاقانه و معتبر یا تولید اطلاعات مناسب برای برنامه‌ریزان، استفاده و اجرا شده است و می‌توان آن را فرایند جمع‌آوری و تخلیص ساختاریافته دانسته‌ها و اطلاعات یک گروه متخصص دانست (آدلر و زیگیلیو، ۱۹۹۹).

روش دلفی سه عنصر کلیدی دارد که نقاط قوت آن هم محسوب می‌شوند: (۱) مبادله ساختارمند نظرات، (۲) بازخورد نظرات به خود نظردهندگان برای امکان اصلاح آن و (۳) محفوظ ماندن نام نظردهندگان. تکنیک دلفی زمانی که شواهد محدودی در دست است و عناصری غیرعینی در آن دخیل هستند، ابزار مناسبی است (ورنون، ۲۰۰۹). علاوه بر این،

1. Linstone and turnoff
2. Alder and Zigilio
3. Vernon

زمانی که داده‌های واقعی محدودی وجود داشته باشد و ابعاد موضوع به خوبی مشخص نباشد نیز کاربرد دارد (والزوسکی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ سید و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ ورنون، ۲۰۰۹). با توجه به نظرات مختلفی که درباره مفهوم رفاه اجتماعی و تبعاً ابعاد، بیانگرها و شاخصهای آن وجود دارد، گروه تحقیق در پی دستیابی به تعریفی اجماعی از این مفهوم، روش دلفی را برگزیدند.

### شرکت کنندگان

با توجه به آنکه روش نمونه‌گیری و انتخاب اعضای هیئت منصفه در مطالعات دلفی غیرتصادفی است و اعضاء براساس معیارهای متناسب با موضوع تحقیق انتخاب می‌شوند، در این پژوهش نیز با در نظر گرفتن حوزه مورد مطالعه و هدف پژوهش، برای انتخاب اعضای دلفی دو معیار در نظر گرفته شد تا اعضای پیشنهادی در صورت دارا بودن حداقل یکی از معیارهای یاد شده در فهرست اعضای هیئت منصفه دلفی قرار گیرند. معیارهای انتخاب اعضاء عبارت بودند از:

- ۱- تألیف حداقل یک مقاله یا کتاب یا اجرای طرح تحقیقاتی مرتبط با رفاه اجتماعی.
- ۲- دارا بودن سابقه کار کارشناسی یا مدیریت دولتی یا غیردولتی در سازمانهای مرتبط با رفاه اجتماعی.

بدین منظور نخست فهرستی از حوزه‌های مختلف رفاه اجتماعی تهیه شد و سپس برای هر حوزه کاندیداهایی معرفی شدند. و افرادی که با داشتن معیار مزبور، مورد اجماع گروه تحقیق بودند، برای عضویت انتخاب شدند. در نهایت، ۳۲ نفر متخصص حوزه‌های مختلف رفاه اجتماعی به عنوان اعضای تیم دلفی انتخاب شدند. اما با توجه به محدودیتهایی نظیر عدم دسترسی و عدم موافقت برخی متخصصان، ۲۵ نفر موافقت خود را برای مشارکت در دلفی اعلام داشتند. جدول شماره (۱) تعداد و تخصص اعضای تیم دلفی را نشان می‌دهد.

---

1. Malczewski  
2. Syed .

جدول (۱) مشخصات اعضای دلفی

تعداد			تخصص
زن	مرد	کل	
-	۲	۲	اقتصاددان
۱	۳	۴	جامعه شناس
۱	-	۱	علوم سیاسی
۱	۱	۲	جمعیت شناس
۱	۱	۲	علوم اجتماعی
۱	-	۱	پزشکی اجتماعی
۱	۱	۲	روان پزشک
۱	-	۱	بهداشت روانی
-	۱	۱	ارتباطات
۲	۲	۴	مددکاری اجتماعی
۱	-	۱	حقوق دان
-	۲	۲	شهرسازی و برنامه ریزی شهری
-	۱	۱	پزشک
-	۱	۱	مدیریت خدمات بهداشتی درمانی
۱۰	۱۵	۲۵	جمع

## فرآیند

مطالعه حاضر در دو دور از اسفند ۱۳۹۱ تا تیرماه ۱۳۹۲ به طول انجامید. ابزار جمع آوری اطلاعات دو پرسشنامه محقق‌ساخته بود. در پرسشنامه مرحله اول، از اعضاء خواسته شد که «مهم‌ترین ابعاد<sup>۱</sup> رفاه اجتماعی در ایران» را بیان کنند. البته در این مرحله برای تسریع در حصول نتیجه، فهرستی از ابعاد رفاه اجتماعی که از بررسی متون مطالعات مشابه بدست آمده بود در اختیار آنها قرار گرفت. پرسشنامه‌ها به صورت پست الکترونیک در اختیار اعضاء قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا درجه موافقت خود را با هر بعد در مقیاسی بین ۰ تا ۱۰ مشخص نمایند. هم‌چنین از اعضاء خواسته شد تا نظرات خود را در مورد حذف، اصلاح یا افزودن ابعاد جدید بیان کنند. در دور دوم، ضمن رعایت بی‌نامی، میانه، نما، میانگین و انحراف معیار ابعاد رفاه اجتماعی برای اعضاء گزارش شد. هم‌چنین ابعاد جدیدی که اعضاء پیشنهاد داده بودند نیز به پرسشنامه مرحله دوم اضافه شد تا مجدداً به رأی اعضاء گذاشته شود. در مرحله دوم علاوه بر ابعاد، از اعضاء خواسته شد تا در مورد «مهم‌ترین بیانگرهای<sup>۲</sup> رفاه اجتماعی در ایران» در هر بُعد نیز نظر بدهند. در بخش بعدی (یافته‌ها)، نتایج مربوط به دور دوم و نهایی دلفی گزارش شده است.

## یافته‌ها:

یافته‌ها در دو بخش مهم‌ترین ابعاد و بیانگرهای رفاه اجتماعی ارائه می‌شوند. نتایج دور دوم دلفی در جدول شماره (۲) آمده است. گفتنی است در این مرحله دو نفر از اعضاء دلفی مشارکت نداشتند و دور دوم دلفی با نظرخواهی از ۲۳ متخصص انجام شد.

---

1. Dimensions

2. Indicators



جدول (۲) خلاصه نتایج مرحله دوم دلفی در مورد ابعاد مورد اجماع اعضای دلفی

رتبه مؤلفه براساس میانگین	شاخصهای مرحله دوم دلفی				ابعاد پیشنهادی اعضای دلفی
	SD	Med	Mo	M	
۱	۵/۷۱	۸	۱۰	۹/۵۲	اشتغال
۲	۵/۳۹	۸	۱۰	۹/۳۰	اقتصاد
۳	۳/۰۸	۱۰	۱۰	۸/۷۶	تأمین اجتماعی
۴	۳/۱۶	۸	۱۰	۸/۴۲	سلامت
۵	۲/۸۴	۸	۸	۷/۴۵	آموزش
۶	۳/۳۵	۶	۱۰	۶/۶۵	مسکن
۷	۳/۴۱	۴	۲	۴/۰۶	وضعیت کودکان
۸	۳/۴۴	۴	۰	۳/۹۷	حاکمیت قانون
۹	۲/۵۷	۴	۵	۳/۹۳	رضایت از زندگی
۱۰	۲/۲۰	۴	۳	۳/۷۸	زیرساختها
۱۱	۲/۹۳	۳	۳	۳/۷۶	نابرابری جنسیتی
۱۲	۲/۷۵	۳	۳	۳/۵۸	اعتماد اجتماعی
۱۳	۲/۹۴	۳	۰	۳/۵۴	مشارکت مردم
۱۴	۲/۱۴	۳	۳	۳/۰۵	محیط زیست
۱۵	۲/۴۳	۳	۳	۲/۸۹	فرهنگ و اوقات فراغت
۱۶	۲/۲۴	۳	۰	۲/۸۴	شادکامی
۱۷	۲/۷۵	۲	۰	۲/۷۳	امنیت غذایی
۱۸	۲/۰۷	۲	۰	۲/۲۹	کارایی حکومت
۱۹	۲/۰۷	۲	۰	۲/۱۷	مسئولیت پذیری حاکمان
۲۰	۱/۹۶	۲	۰	۲/۰۴	انسجام اجتماعی
۲۱	۱/۵۲	۲	۲	۱/۸۹	تکنولوژیهای جدید
۲۲	۱/۶۹	۲	۰	۱/۶۵	شفافیت
۲۳	۳/۴۱	۴	۲	۱/۰۲	جهانی شدن

### انتخاب ابعاد مناسب

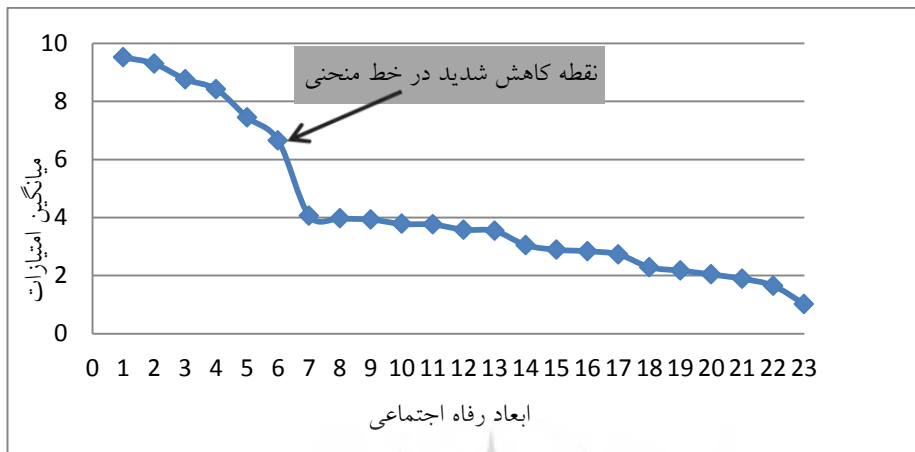
در دور دوم دلفی، ۲۳ بعدی که از نتایج دور اول بدست آمده بود، به رأی اعضاء دلفی گذاشته شد. بعد از استخراج نتایج این دور، میانگین، میانه، نما و انحراف معیار هر بعد محاسبه شد. سپس براساس میانگین امتیاز هر بعد، ابعاد موجود رتبه‌بندی شد. در این مرحله برای انتخاب مناسب‌ترین ابعاد مورد اجماع اعضاء دلفی، از معیار نقطه شکست در «نمودار پراکنش»<sup>۱</sup> استفاده شد. به این منظور این ابعاد به ترتیب نزولی امتیاز در محور افقی (X) و میانگین امتیاز هر بعد در محور عمودی (Y) نشان داده شد، طوری که با حرکت به سمت راست، از میانگین ابعاد کاسته می‌شد. برای انتخاب تعداد ابعاد مناسب از نقطه‌ای استفاده شد که در آن، خط منحنی دچار کاهش شدید می‌شد (کاستلو و آزبورن، ۲۰۰۵).

در نمودار شماره (۱) که مربوط به پراکنش توزیع میانگین ابعاد رفاه اجتماعی مورد اجماع اعضاء دلفی است، نقطه‌ای که دچار کاهش شدید (نقطه شکست) منحنی شده است، مربوط به بعد ششم می‌باشد، یعنی ابعاد بعد از بعد ششم از مطالعه حذف و تنها شش بعد اول یعنی اشتغال، اقتصاد، تأمین اجتماعی، سلامت، آموزش و مسکن به عنوان ابعاد مورد اجماع اعضاء دلفی انتخاب شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. scatter plot
2. Costello and Osborne

نمودار (۱) توزیع میانگین ابعاد پیشنهادی اعضای دلفی



#### انتخاب بیانگرهای مناسب

ابتدا کلیه بیانگرهایی که اعضای دلفی به عنوان مهم‌ترین بیانگرهای ابعاد رفاه اجتماعی پیشنهاد کرده بودند، فهرست و سپس فراوانی هر بیانگر محاسبه شد. بر این اساس بیانگرهای مورد اجماع اعضای رتبه‌بندی شد. در نهایت، اعضای تیم تحقیق با استفاده از فراوانی هر بیانگر (مساوی یا بیش از ۳ رأی) پیشنهادی، بیانگرهای منتخب را به ترتیبی که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم، معرفی کردند.

#### بیانگرهای مورد اجماع اعضای دلفی در شش مؤلفه منتخب:

- بیانگر مورد اجماع اعضای دلفی در بعد اشتغال: نرخ بیکاری (با ۱۰ رأی).
- بیانگرهای مورد اجماع اعضای دلفی در بعد اقتصاد: ضریب جینی (با ۵ رأی)، نرخ تورم (با ۴ رأی) و تولید ناخالص ملی سرانه (با ۳ رأی).
- بیانگر مورد اجماع اعضای دلفی در بعد تأمین اجتماعی: میزان پوشش بیمه تأمین اجتماعی (با ۱۰ رأی).

- بیانگرهای مورد اجماع اعضاء دلفی در بعد سلامت: امید به زندگی (با ۶ رأی) و میزان مرگ و میر کودکان (با ۴ رأی).
  - بیانگرهای مورد اجماع اعضاء دلفی در بعد آموزش: میزان باسوادی (با ۵ رأی) و میزان ثبت نام در مدرسه (با ۵ رأی).
  - بیانگر مورد اجماع اعضاء دلفی در بعد مسکن: میزان مالکیت مسکن (با ۶ رأی).
- به این ترتیب ۱۰ بیانگر در ۶ بعد مختلف، به عنوان بیانگرهای مورد اجماع اعضاء دلفی انتخاب گردید.

## بحث

رفاه اجتماعی مفهومی گسترده است و پیشنهاد بیش از ۲۳ بعد در مرحله نخست دلفی، نشان‌دهنده این تنوع مفهومی است. فیتزپاتریک (۲۰۰۱) رفاه اجتماعی را با مقوله‌هایی چون شادکامی طولانی، امنیت، ارضاء یا سرکوب نیازها و ترجیحات، کسب آنچه سزاوار آنیم، و مقایسه خود با دیگران، مرتبط می‌دانند. به‌جای اینکه رفاه را مقوله‌ای بدانیم که به‌طور عینی اندازه‌گیری می‌شود، باید اهمیت جنبه‌های ذهنی آن را نیز در نظر داشته باشیم، زیرا جنبه‌های اخیر بر درک ما از آسایش تأثیرگذار است. بنابراین رفاه ما نه تنها با سلامتی، آموزش، امنیت، مسکن مناسب، پول و منافع کافی برای یک زندگی خوب، رابطه دارد، بلکه درک معنای ذهنی این عوامل نیز اهمیتی اساسی دارد (تیلور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷).

در مطالعه حاضر ابعاد عینی، بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. به‌نظر می‌رسد که وضعیت توسعه یافتگی پائین و تأمین ناکافی نیازهای اولیه در ایران، در این انتخاب نقش اساسی داشته است. مطابق سلسله مراتب نیازها، با تأمین نیازهای جسمی است که می‌توان به سطوح بالاتر نیازها دست یافت و اگر جامعه‌ای در تأمین این نیازها متوقف مانده باشد،

1. Taylor

دستیابی به نیازهای رده‌های بالاتر (غیرعینی و غیرمادی) ممکن نیست.

در بین ابعاد منتخب رفاه اجتماعی، اشتغال مهم‌ترین بعد و میزان بیکاری مهم‌ترین بیانگر رفاه اجتماعی دانسته شده است. میزان بیکاری ایران در سال ۲۰۰۸ معادل ۱۱/۷٪ بوده است (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۹) که رقم نسبتاً بالایی محسوب می‌شود. در بیان اهمیت موضوع کار انسانی، آمارتیاسن اشتغال را از جنبه فردی و اجتماعی واجد سه منظر درآمدی، تولیدی و هویتی می‌داند (سن، ۱۹۹۶). از منظر درآمدی و تولیدی، افراد، در صورت یافتن شغل و ارائه خدمات کاری، در عین اینکه در فرایند تولید کالا و خدمات شرکت می‌کنند، به کسب درآمد برای خود نیز می‌پردازند. اما اگر زمینه اشتغال افراد در بازار کار فراهم نشود، علاوه بر آثار و پیامدهای برآورده نشدن نیازهای تولیدی و درآمدی، مسائل مربوط به جنبه هویتی اشتغال مطرح می‌شود که آمارتیاسن آنها را به بیش از ۱۰ مقوله تقسیم می‌کند: از دست رفتن تولید جاری، از دست دادن آزادی و محرومیت اجتماعی، کاهش مهارتها و لطمات بلندمدت، آسیبهای روانی، عوارض بهداشتی و مرگ و میر، از دست رفتن انگیزه‌ها و کارهای آینده، از دست رفتن روابط انسانی و زندگی خانوادگی، نابرابریهای جنسی و نژادی، از دست رفتن ارزشهای اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، عدم انعطاف‌پذیری سازمانی و محافظه‌کاری تکنیکی (سن، ۱۹۹۷). مهار و درمان این آسیبها در دوران بیکاری بسیار دشوار است.

ایران به لحاظ مؤلفه‌های تأمین اجتماعی، اقتصاد و مسکن وضعیت چندان مناسبی ندارد. به‌طوری که برای مثال، میزان پوشش بیمه تأمین اجتماعی (با احتساب افراد تبعی) حدود ۴۰٪ (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۰)، میزان مالکیت مسکن ۶۶٪ (بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰)، ضریب جینی ۰/۳۹۳ (بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۸)، میزان تورم ۳۶٪ (بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۲) است. در مورد شاخصهای سلامت و آموزش وضعیت کشور مناسب‌تر است و با این حال، قرار گرفتن آن در فهرست نهایی شاخصهای منتخب رفاه اجتماعی حکایت از آن

دارد که سلامت و آموزش همچنان از نظر متخصصان اهمیتی بیشتر از بسیاری ابعاد دیگر دارد. نگاهی به وضعیت عینی کشور از این جهات گویاست: برای مثال، نرخ باسوادی افراد بالای ۶ سال، ۸۸٪ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸)، امید به زندگی، ۷۳ سال (وزارت بهداشت، ۱۳۸۹) و نرخ مرگ و میر نوزادان، ۲۱/۱۰ نفر در هر هزار تولد زنده (وزارت بهداشت، ۱۳۸۹) است.

شاخص رفاه اجتماعی مطالعه حاضر، در مقایسه با شاخص رفاه سن (۱۹۷۱)، شاخص رفاه اقتصادی (اوزبرگ، ۱۹۹۱) و شاخص توسعه انسانی (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۳-۱۹۹۰) دارای ابعاد و بیانگرهای بیشتر و متنوع‌تری است و این قابلیت را دارد که تحولات وضعیت رفاه کشور را به نحو مناسب‌تری نمایان سازد. اما شاخص مزبور نسبت به شاخصهایی نظیر شاخص لگاتوم ابعاد کمتری دارد، مخصوصاً فاقد بیانگرهای ذهنی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در ساخت شاخصهای جدید از بیانگرها و ابعاد ذهنی استفاده شود. البته عدم دسترسی و عدم انتشار داده‌های ذهنی یکی از محدودیتهای جدی تحقیقات شاخص‌سازی محسوب می‌شود.

ابعاد و بیانگرهای پیشنهادی این مطالعه می‌تواند با قرار گرفتن در قالب یک شاخص ترکیبی، به علت پوشش ابعاد مختلف مؤثر بر رفاه اجتماعی و امکان تجزیه و تحلیل جزئی و کلی، به اندازه‌گیری واقعی‌تر رفاه اجتماعی کمک کند و با بررسی اثرات سیاستها بر ابعاد مختلف، دولت را در اتخاذ تصمیمهای مناسب یاری دهد. امید است نتایج این پژوهش، مقدمه‌ای برای ساخت شاخص بومی رفاه اجتماعی ایران بوده و از این طریق امکان ارزیابی و پایش مستمر سیاستها و برنامه‌های رفاهی را میسر سازد.

- Alder, M. & Zigilio, E. (1996). Gazing into the Oracle: *The Delphi method and Its Application to social policy and public health*. London: Jessica Kingsley Publishers.
- Bandura, R. (2006). *A Survey of Composite Indices Measuring Country Performance*. United Nations Development Programme - Office of Development Studies, Retrieved from: [http://www.thenewpublicfinance.org/background/Measuring%20country%20performance\\_nov2006%20update.pdf](http://www.thenewpublicfinance.org/background/Measuring%20country%20performance_nov2006%20update.pdf).
- **Central Bank of Iran**. Available at: [http://www.cbi.ir/\(sep.2012\)](http://www.cbi.ir/(sep.2012)).
- Costello, A. & Osborne, J. (2005). Best practice in exploratory factor analysis: four recommendations for getting the most from your analysis. *journal of practical Assessment, research & evaluation*, V. 10, N. 7, July.
- Ebadi, J. (2010). Changes in social welfare in Iran. *Economic policies*. V. VI., No. 1.
- Fitzpatrick, T. (2001). Welfare Theory: an introduction. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Gainer, M. (2013). *Assessing Happiness Inequality in the Welfare State: Self-Reported Happiness and the Rawlsian Difference Principle*. Soc Indic Res. Vol. 114, Issue 2, 453-464.
- Hosseini, M. & Jafari, Samimi A. (2009). An Analysis of Economic well-being trend in Iran; *journal of Applied Sciences research*, 5, (10) 1732-1740.
- Iranian Ministry of Health and *Medical Education*. Available at: [http://www.behdasht.gov.ir/\(sep.2012\)](http://www.behdasht.gov.ir/(sep.2012)).
- Legatume Prosperity Index (2012). *An enquiry into global wealth and well-being*. [www.prosperity.com](http://www.prosperity.com).
- Linstone, A. H. & Turnoff, M. (2002). *The Delphi method: Techniques and Applications*. Addison-Wesley.
- Malczewski, J. (1999). *GIS and Multicriteria Decision Analysis*. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Noll, H. (2002). Social indicators and quality of life research: Background, achievements and current trends. In: Genov, N. (Ed.). *Advances in sociological knowledge over half a century*. Paris: International Social Science Council.
- OECD (2008). Handbook on constructing composite indicators: *methodology and user guide*. ISBN 978-92-64-04345-9.
- Osberg, L. & Andrew, S. (1999). An index of Economic well-being for Canada and United States. *Paper presented to the annual meeting of the American Economic Association*, New York, January 3-5. Posted at [www.csls.ca](http://www.csls.ca).

- RAND (2009). *Research and Development Corporation: Delphi Analysis*, Retrieved on May 15, 2009 from:  
<http://www.rand.org/scitech/stpi/Evision/Supplement/delphi.pdf>.
- Sadeghi, H. (2009). New approach in the assessment of welfare indicators. *Journal of Economic Research*. No.3.
- Sayadzadeh, A. & Ahmadi, M. M. (2004). *Evaluation of Amartya Sen social welfare functions in Iran*. ECONOMICS letter. No. 57.
- Sen, Amartya. (1996), Employment, *Institutions and Technology: Some policy Issues*, International Labour Review 135/3-4.
- Sen, A. (1997). Inequality, Unemployment and Contemporary Europe. International Labour Review, 136/2.
- Social Insurance Organization of Iran*. Available at:  
[http://www.tamin.ir/\(sep. 2012\)](http://www.tamin.ir/(sep. 2012)).
- Statistical Center of Iran. Time series*. Available at:  
[http://www.amar.org.ir/\(sep. 2012\)](http://www.amar.org.ir/(sep. 2012)).
- Syed, A. M., Hjarnoe, L., & Aro, A. R. (2009). The Delphi technique in developing international health policies: experience from the sarscontrol project. *Internet Journal of Health*, 8(2).
- Taylor, G. (2007). *Ideology and Welfare*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- UNDP (2009). *World Development Indicator*.
- Vernon, W. (2009). The Delphi technique: A review. *International Journal of Therapy and Rehabilitation*, 16(2), 69-76..

